



The University of Tehran Press

Legal Reflection on Artistic Expression: Artistic Freedom of Expression in Painting within the Framework of the International Human Rights System

Aramesh Shahbazi[✉] 

Associate Prof., Department of Public Law and International Law, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. Email: a.shahbazi@atu.ac.ir

Article Info	Abstract
Article Type: Research Article Pages: 1971-1994 Received: 2023/11/04 Received in Revised form: 2023/12/15 Accepted: 2024/05/06 Published online: 2025/09/23 Keywords: <i>freedom of artistic expression, international human rights, art interpretation, Human Rights Committee, European Court of Human Rights.</i>	Art is often a narrative, and a painter, like other artists, generally depicts a story that has passed through them or that they have experienced. Nevertheless, the product of a painter's work, like any other artistic creation, is considered a cultural commodity, and the creation of a painting signifies its entry into a realm where laws play a serious role in regulating the relationships among actors and governing the interactions between various elements and phenomena. The subject of this research is the limitations imposed on the scope of artistic freedom of expression for painters within the domain of international human rights law. A brief reflection on the theories and practices of the European Human Rights Committee and Court indicates a lack of alignment between theoretical and practical approaches in establishing a uniform judicial precedent regarding artistic freedom of expression for painters in the international human rights system. This situation leads to a narrow or broad interpretation of artistic freedom, influenced by national security, public morals, and even political considerations, regardless of the artistic or non-artistic nature of the painter's efforts. On the other hand, the door remains open for the application of interpretative principles in the international human rights system to define the limits and boundaries of artistic freedom for painters.
How To Cite	Shahbazi, Aramesh (2025). Legal Reflection on Artistic Expression: Artistic Freedom of Expression in Painting within the Framework of the International Human Rights System. <i>Public Law Studies Quarterly</i> , 55 (3), 1971-1994. DOI: https://doi.com/10.22059/jplsqt.2024.367607.3427
DOI	10.22059/jplsqt.2024.367607.3427
Publisher	The University of Tehran Press. 



جوشن قانون بر قامت تصویر:

آزادی بیان هنری در نقاشی در چارچوب نظام بین‌المللی حقوق بشر

آرامش شهبازی

دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. رایانامه: a.shahbazi@atu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی صفحات: ۱۹۷۱-۱۹۹۴ تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۱۳ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۹/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۱۷ تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۴/۰۷/۰۱ کلیدواژه‌ها: آزادی بیان هنری، حقوق بین‌الملل بشر، دیوان اروپایی حقوق بشر، کمیته حقوق بشر، معنای امر هنری.	هنر، اغلب روایت است و نقاش نیز چون دیگر هنرمندان، عموماً روایتی را به تصویر می‌کشد که بر وی گذشته است یا خود بر آن گذر دارد. با این حال، محصول کار نقاش، چونان هر اثر هنری دیگر، تولید کالای فرهنگی محسوب می‌شود و خلق نقاشی به معنای ورود آن به عالمی است که حقوق، نقشی جدی در تنظیم روابط بازیگران و حکومت بر مراودات میان عناصر و پدیده‌های مختلف آن ایفا می‌کند. موضوع این پژوهش محدودیت‌های وارد بر گستره آزادی بیان هنری نقاش در سپهر حقوق بین‌الملل بشر است. تأملی کوتاه در نظریه و رویه کمیته و دیوان اروپایی حقوق بشر، مؤید عدم همگامی رویکردهای نظری و عملی در تثبیت رویه قضایی متحدالشکلی در آزادی بیان هنری نقاش در نظام بین‌المللی حقوق بشر است، به‌نحوی که منصرف از ماحصل تلاش نقاش به‌عنوان امر هنری یا غیرهنری، از یک سو، امنیت ملی، اخلاق حسنه و حتی ملاحظات سیاسی به تفاسیر مضیق یا موسع از آزادی بیان هنری در رویه انجامیده است و از سوی دیگر همچنان باب توسل به اصول تفسیر در نظام بین‌المللی حقوق بشر در تفسیر حدود و ثغور آزادی هنری نقاش مفتوح است.
استناد	شهبازی، آرامش (۱۴۰۴). آزادی بیان سیاسی در ورزش: مطالعه ضوابط و رویه بین‌المللی جوشن قانون بر قامت تصویر: آزادی بیان هنری در نقاشی در چارچوب نظام بین‌المللی حقوق بشر. <i>مطالعات حقوق عمومی</i>، ۵۵ (۳)، ۱۹۷۱-۱۹۹۴. DOI: https://doi.com/10.22059/jpls.2024.367607.3427
DOI	10.22059/jpls.2024.367607.3427
ناشر	مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.



جهانی را تصور کنید که در آن نه نقاشی هست و نه بازیگری، نه موسیقی و نه کاریکاتورست یا حتی مجسمه‌ساز یا کم‌دینی... در این جهان، نه خبری از روایتی هست نه ایده‌ای؛ نه چشم‌اندازی متصور است و نه می‌توان جهان‌بینی متفاوتی را به نظاره نشست... در واقع، بدون آزادی آفرینش مفاهیم و ایده‌ها از رهگذر هنر، هیچ تضمینی برای درک لذت دیدنی‌ها و شنیدنی‌ها نیست... خلاقیتی که در آزادی بیان امر هنری نهفته است، به تنوع و تکثر رویکردها، ایده‌ها، باورها و حتی درک لذاذذ زندگی می‌انجامد... و این نه تنها نیاز زندگی امروزی انسان‌ها، که ضرورت جدی زیست جوامع دموکراتیک بشری است (Irene Khan, 2022: 3).

۱. مقدمه

هنر، مرزهای جامعه را جابه‌جا می‌کند و تابوها را به چالش می‌کشد. گاهی با بیانی انتزاعی و در محاق و گاهی صریح و آشکار، وضعیت موجود را نقد می‌کند و حتی گاهی در پی تغییر و تحول و بازتعریف مفاهیم و معانی است و این در حالی است که البته گاهی هم در پی تأکید بر وضعیت موجود است. همزمان نباید از یاد برد که هنر در وهله نخست، جنبه‌هایی از زندگی انسان را به نمایش می‌گذارد و حتی عیان می‌سازد که فراتر از قواعد نوشته و توافقی، در زمره موضوعات چالش برانگیز بوده و در لایه‌های زیرین جامعه در حال اتفاق است و چندان مورد توجه نیست. از این حیث، به نحو تلویحی یا صریح به مسائلی می‌پردازد که ممکن است حتی به ذهن مقنن هم خطور نکند و یا مقنن عامدانه از پرداختن به آن مسائل بگریزد و از این رو ممکن است هرگز جامعه حقوقی به تن نکند و تا مدت‌ها همچنان در خفا بماند.

با این وصف، هرچند هنر، فی‌نفسه شیوه‌ای از ابراز بیان است^۱ و چه بسا صریح‌ترین قسم آن، اما هنگامی که بحث از امر هنری در چارچوبی حقوقی به میان می‌آید، طبیعتاً مسئله در کیفیت این بیان و حدود و ثغور آن است که آیا می‌تواند بیانی مطلقاً آزادانه تلقی شود یا خیر و قلمرو حمایت حقوقی از بیان امر هنری تا کجاست؟^۲ به این منظور گاهی گفته شده که اثر هنری می‌بایست الزاماً متضمن ارزش جدی علمی، سیاسی، هنری یا ادبی باشد^۳... و اعتباری که مرجع قضایی هم‌ردیف با بیان سیاسی، مذهبی و

۱. در اینکه هنر صورتی از بیان حداقلی است یا حداکثری و اقسام بیان هنری ر.ک:

Haig Khatchadourian, The Expression Theory of Art: A Critical Evaluation, The Journal of Aesthetics and Art Criticism, Vol. 23, No. 3 (Spring, 1965), pp. 335-352.

۲. با توجه به تفسیر از امر هنری، آزادی هنری می‌تواند موضوع حمایت‌های جدی یا کمترین میزان حمایت در مراجع قضایی قرار گیرد.

۳. هرچند این معیار، خود معیار سهل و ممتنعی است در متمم اول قانون اساسی آمریکا، نظریه تفسیر موسع از آزادی‌های بیان، آزادی هنری نیز به نحو موسعی تفسیر می‌شود، با این حال، در همین قانون مواردی از جمله تحریک و تشویق به خشونت، تهدید، ارباب، هتک حرمت همراه با سوء نیت، پورنوگرافی کودکان و ابراز اعمال مستهجن در قلمرو تحت حمایت آزادی بیان قرار نمی‌گیرد.

ادبی برای بیان هنری قائل است، مبین جایگاه یکسان برای این قسم از آزادی در کنار سایر شقوق آزادی بیان است (Eberle, 2007-2008: 24).^۱ این امر به گونه‌ای است که حتی در جایی که به نظر می‌رسد ممکن است آزادی بیان امر هنری در سطحی پایین‌تر از سایر شقوق آزادی بیان مورد توجه قرار گیرد، به‌زعم برخی با توجه به ماهیت و ارزش ذاتی^۲ هنر، آزادی‌های هنری، به لحاظ ماهوی در سطحی حتی متعالی از دیگر اقسام آزادی بیان قرار می‌گیرد و از این رو نیازمند حمایت بیشتری از سایر صور بیان است (Polymenopoulou, 2016: 535). از این منظر، هرچند عمدتاً بیان هنری، در نگاه اول، بیانی زیبا و احساسی تلقی می‌شود، صرفاً به این برداشت قابل تقلیل نیست. این موضوع، خود به پرسش رهنمون می‌شود که اساساً می‌توان میان امر هنری و غیر هنری قائل به تفکیک شد؟ در پاسخ به این پرسش همواره باید به این مهم توجه داشت که در اصل، هنرهای تجسمی و صور مختلف انتقال مفاهیم شفاهی از جمله بارزترین و مهم‌ترین ابزارهای بیان، به‌نحوی جهان‌شمول به حساب می‌روند (Arnheim, 1992: 45). از این منظر حمایت کمانه‌ای (پیشینه) از بیان نقاش به‌عنوان روایتی جهان‌شمول و تفسیر مضیق دکترین حاشیه تفسیر^۳ در راستای تحدید مواضع دولت در قبض آزادی بیان هنری نقاش، به تثبیت جهان‌شمولی حقوق بشر کمک جدی می‌کند، امری که به نظر می‌رسد دست کم در رویه قضایی بین‌المللی چندان مورد توجه قرار نگرفته و تنها به‌صورت موردی قابل توجه و تحلیل است. با این وصف، پرسش اصلی این نوشتار این است که آزادی هنری نقاش در نظام حقوق بشر، به چه نحو بر برداشت یک اثر به‌عنوان اثری هنری یا غی هنری تأثیر می‌گذارد؟ پیشینه پرداختن به موضوعاتی مشابه نشان‌دهنده آن است که به‌طور مشخص در این زمینه کار پژوهشی مستقلی صورت نگرفته است. تنها مقاله‌ای که به فارسی به مقوله آزادی بیان هنری پرداخته است، مقاله «حمایت از آزادی هنر در نظام بین‌المللی حقوق بشر» (اسلامی و گل‌ریحان، ۱۳۸۹: ۲) است که در نشریه حقوق اساسی منتشر شده و نویسندگان ضمن توصیف مفهوم آزادی هنری، به رویه دیوان اروپایی حقوق بشر در این پرداخته‌اند، بی‌آنکه به‌طور مشخص ارتباطی میان امر هنری و غیرهنری قائل شوند. در این مقاله عمدتاً به توصیف مفهوم آزادی بیان هنری در میثاق‌های بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و اقتصادی اجتماعی فرهنگی پرداخته شده است که اساساً موضوع این پژوهش نیست. از این منظر، در ذیل در بدو امر به مفهوم امر هنری و آزادی هنری در رویه و نظریه پرداخته می‌شود و متعاقباً رویه کمیته و دیوان اروپایی حقوق بشر به‌عنوان مراجعی پیش‌رو در زمینه تفسیر و حل اختلاف در نظام بین‌المللی حقوق بشر بررسی می‌شود.

۱. در قوانین برخی کشورها از جمله در متمم اول قانون اساسی ایالات متحده آمریکا (۱۹۵۱) این امر به رسمیت شناخته شده است.

2. Intrinsic value

3. Margin of Appreciation

۲. تفکیک امر هنری از غیر هنر

نقاش، همانند دیگر هنرمندان، اغلب روایتگر است؛ گاهی روایتگر آنچه می‌شود که بر ذهن او گذشته، در خفا یا آشکار، او را درگیر کرده و آنگاه صورتی در عالم واقع به خود گرفته است و نقاش خالق این روایت می‌شود (Geiger, 2018: 421). گاهی نیز راوی آن چیزی است که بر دل او رفته و لاجرم اثر هنری نقاش محصول بیان احساسی وی خواهد بود، حتی در مواردی، نه ذهن و دل، بلکه دست نقاش گویی قلم‌موی نقاشی است که به بیان بی‌کم کاست و مثل آنچه می‌پردازد که چشم هنرمند دیده است (Polymenopoulou, 2023: 10).^۱ با این حال، مسئله اینجاست که آیا اساساً فرقی میان صورت‌های مختلف اثر هنری هست؟ آیا می‌توان یک تابلوی نقاشی را اثر هنری نامید و دیگری را خیر؟ در گزارش گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در زمینه حقوق فرهنگی آمده است: «یک اثر هنری با یک بیان غیرروایی متفاوت است، چراکه می‌تواند متضمن ارائه دامنه‌گسترده‌ای از پیام‌ها و معانی برای مخاطب باشد... به‌سختی می‌توان اثبات کرد که یک اثر هنری درصدد انتقال منحصرأ یک معنا یا یک پیام خاص به مخاطب است و چه‌بسا معانی مختلفی که از یک اثر هنری برداشت می‌شود، حتی اساساً بر قصد و نیت خالق اثر هنری نیز منطبق نباشد... آزادی‌های هنری، هرگز نباید با این رویکرد تفسیر شوند که درصدد القای معنای مشخص یا اطلاعات معینی هستند» (Report of the Special Rapporteur in the field of cultural rights, Farida Shaheed, the right to freedom of artistic expression and creativity, 2013:37). علاوه بر این، به نظر وی «ضروری است تا توسل به تصور یا خیال به‌عنوان یک عنصر اساسی از آزادی تفسیر اثر هنری و جزئی جداناپذیر از آن برای ابراز خلاقیت‌های هنری شناسایی شود. با این حال، در اساس، بازنمایی امر واقع با بیان واقعیت متفاوت است (Polymenopoulou, 2023: 9). در این شق نخست از بیان است که هنرمند می‌تواند در راستای آفرینش هنری خود حتی به جنبه‌های تاریک‌تر و تلخ‌تر واقعیت در قالب بیان امر واقع پردازد و بی‌آنکه مرتکب جرم یا حتی امری غیراخلاقی شود، در بازنمایی واقع، آن را (با توجه به جهان‌بینی خود) به ترسیم کشد....» (Tricoire, 2011: 1)، پس در واقع ابراز امر هنری صرفاً یک گفتمان ساده یا یک شیوه معین از بیان واقعیت نیست^۲ که اگر چنین تفسیر شود، راه بر خلاقیت و ابراز آزادانه امر هنری مسدود می‌شود» (Tricoire, 2011: 1).^۳

شاید مقدماً بتوان گفت رویه دیوان اروپایی حقوق بشر در راستای تلقی عمده آثار تجسمی به‌عنوان امر

۱. البته گاهی در یک اثر هنری چند روایت مختلف به تصویر کشیده می‌شود، روایت‌هایی که ممکن است حتی نقاش، خود بیانگر آن روایت‌ها نباشد و متعاقباً مخاطب یا منتقد اثر هنری بر آن بیفزاید.

2. l'art n'est pas simplement du discours.

3. Agnès Tricoire, ibid.

هنری چندان متحدالشکل نیست (Whyatt, 2023: 10). البته دیوان اصراری به تفکیک هنر از غیر هنر ندارد و مگر در موارد استثنا، دامنه امر هنری را نیز محدود نمی‌کند. با این حال، رویکردهای مخالف هم در دیوان بی‌سابقه نیست. برای مثال، قاضی لوکایدس با یک رویکرد ابزارگونه به مقوله هنر در قضیه کانستلر علیه/تربیش معتقد است که اثر هنری باید هدف معینی را دنبال کند و به نحو مشخص، اثری اثر هنری محسوب می‌شود که متضمن «یک پیام معنادار»^۱ باشد. این در حالی است که مسئله اساسی همینجاست که معناداری گاه در نگاه مخاطب اثر هنری به انحای مختلف هویدا می‌شود، چراکه به‌ویژه در هنر معاصر، پیام یک اثر هنری و هدف آن ممکن است اساساً از نظر هنرمند و مخاطبانش یکسان نباشد و حتی و چه‌بسا در زمان‌های مختلف، متضمن معانی غیرهمگونی باشد. از این رو برخی معتقدند: «هریک از ما مختار است در انتخاب هر اثر هنری که خود مناسب می‌داند و هیچ شخص یا حکومتی نمی‌تواند این تصور آزادانه از گزینش امر هنری را محدود کند یا حتی به یک معنا و فهم معین فرو کاهد» (Eberle, 2007-2008: 16).

در واقع، به نظر می‌رسد که مسئله اساسی درک درست از مفهوم هنر به عنوان امری چندوجهی است. به نظر دیوان اروپایی حقوق بشر، هنر عملاً یک مفهوم ظاهری و فاقد هرگونه منفعت اصیل و شایان توجهی در قضایی است که در آنها موضوع اثر هنری مورد توجه است (Polymenopoulou, 2023: 9). با این وصف، از آنجا که فقدان دانش ضروری، لازم و قابل اثباتی از سوی دیوان در خصوص مفهوم اثر هنری، به نوعی بی‌عدالتی نسبت به ماهیت امر هنری و فرایندهای دخیل در تحقق و شناسایی امر هنری از غیر هنر منجر می‌شود (Kearns, 2013: 152)، تنها شیوه کلاسیک و توجه به ارزش ظاهری اثر هنری، معیاری قابل قبول برای ارزیابی هنر از غیر هنر است. هرچند در عمل باید پذیرفت که این امر ممکن است بر مبانی اخلاقی و زیبایی‌شناسی حاکم بر اثر هنری تأثیر گذاشته و اعتبار آن را به معیارهای ملی و محلی تقلیل دهد یا حتی به برداشتی سطحی از اثر هنری بینجامد. با این حال، همزمان این رویکرد مبتنی بر ارزش ظاهری اثر، با اصل اصالت‌الظهور نیز سنخیت و سازگاری بیشتری دارد. اصلی که باب توجه به منطوق به جای مفهوم و ظاهر به جای مراد و نیت خالق را می‌گشاید و قرینه‌ای بر تأیید برداشت فرمالیستی دیوان از امر هنری است.

به هر تقدیر، منصرف از ماهیت امری به عنوان هنر یا غیرهنری، که در حوزه هنر بسیار به آن پرداخته شده اما الزاماً در عالم حقوق و به‌ویژه در رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر توسط قضات استراسبورگ، چندان مورد استناد قرار نگرفته است، مسئله جدی و شایان توجه در دیوان که بر این موضوع سایه افکنده است، جایگاه امر هنری در میان اقسام آزادی بیان یا تفسیر این همانی آزادی بیان هنری و سایر شقوق بیان، چون بیان اجتماعی سیاسی و مانند اینهاست (Whyatt, 2023: 11).

1. Meaningful message

۱.۲. بیان هنری به مثابه امری اجتماعی

هرچند مقوله‌ای تحت عنوان آزادی اجتماعی عملاً صورتی مستقل از اقسام بیان ندارد و در شکل اقسام دیگر حقوق و آزادی‌های شناخته‌شده، مورد حمایت قرار می‌گیرد، بسیاری هنر را به مثابه امر اجتماعی تلقی می‌کنند و با ارائه شاخص‌هایی، میان امر هنری و غیرهنر قائل به تفکیک می‌شوند (Nicole & Olivier, 2014: 31). بریزگوت (Gaut, 2005: 275)، معیارهایی برای اثر هنری برمی‌شمرد که بر اساس آن اثر هنری اثری است که از حیث فکری چالش‌برانگیز^۱ باشد، از حیث شکلی پیچیده و در عین حال منسجم باشد، دارای ظرفیت انتقال معنی باشد و النهایه یک رویکرد و بیان شخصی را به معرض نمایش بگذارد.^۲ البته با توجه به اقتضائات هنر معاصر گذار از رویکردهای سنتی به مدرنیسم، شاید مساحمتاً بتوان با برخی که مدعی‌اند هنر مختص به قشر خاصی از جامعه نیست، هم‌نظر بود و آن را برای قضاوت و تفسیر در اختیار همگان قرار داد، اینجاست که مخاطب اثر هنری نقشی اساسی در هویت‌بخشی و تفسیر اثر هنری بازی می‌کند، اعطای چنین نقشی به مخاطب اثر هنری، به منزله گریز از ارزیابی اثر هنری با معیارهای متداول و مرسوم زیبایی‌شناسی و ورود به عرصه‌ای جدید است که خود مستلزم اقتضائاتی است و البته پیامدهایی نیز به همراه دارد (Polymenopoulou, 2023: 14). در این عرصه هنر مجموعه عوامل و عناصری خواهد بود که در یک فرایند کلی به تجربه‌ای ختم می‌شود که از آن تحت عنوان «اثر هنری»^۳ یاد می‌شود (Regli, 2018: 10). به این ترتیب، دست‌کم از یک منظر می‌توان مدعی شد که احراز هنر یا غیرهنری بودن امری، منحصرراً در اختیار یا انحصار هنرمند نیست و در چارچوبی موسع معنا می‌شود (O'Neil, 1990: 178).

اگر نقش و جایگاه مخاطب در هویت اثر هنری به رسمیت پذیرفته شود، و به‌ویژه از منظر اجتماعی^۴، به آن نگریسته شود، در واقع، هنر یک عملکرد گفتمانی در خود دارد که متضمن ظرفیت‌های سیاسی است. وقتی این ظرفیت‌ها بالفعل شود، بیان زیبایی‌شناسی آن اثر نمود می‌یابد و می‌تواند به دمکراتیزه‌شدن جامعه و ارتقای همزیستی افراد در کنار یکدیگر نیز بینجامد (Krenn, 2019: 68). با چنین برداشتی هنر اجتماعی بخشی جدایی‌ناپذیر از هویت جامعه مدنی محسوب می‌شود که ستون چهارم

1. Intellectually challenging

۲. برخی نیز معیارهای دیگری برای تمیز یک اثر به‌عنوان یک اثر هنری در نظر گرفته‌اند و طبیعتاً مباحث نظری در حوزه فلسفه هنر و چیستی آن گسترده و مبسوط است که موضوع این نوشتار نیست. برای مطالعه بیشتر ر.ک:

Berys Gaut, "The Cluster Account of Art Defended", *The British Journal of Aesthetics*, Vol. 45, No. 3, 2005, p.274.

3. Artwork

4. Social Art

شکل‌گیری جوامع دموکراتیک نیز است.^۱ به هر حال، این تفسیر، خود متضمن پذیرش این واقعیت است که در هر حال، درک از هنر و مفهوم آن بسیار متأثر از تحولات پیرامونی است که جهان هنر را نیز متأثر می‌سازد، این تحولات از متن جامعه برمی‌خیزد، رنگ و بویی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و حتی مذهبی دارد و در هر بازه زمانی تاریخی نیز متفاوت خواهد بود (O'Neil, 1990: 179).

با این حال، حتی به‌زعم جان دیویی که تجربه‌های عادی روزمره را نیز در زمره تجربه‌های زیباشناسانه و ناب تلقی می‌کند، هر تجربه روزمره نیز هنر محسوب نمی‌شود و متضمن ظرفیت‌های پیش‌گفته نیست، بلکه میان امر هنری و غیر هنری تمایزی آشکار است و تنها آن قسم از آثار هنری نمونه‌ای از تجربه آدمی تلقی می‌شود که چراغ راهی است تا بتوان بر اساس آن به تجربه اساسی سرشاری از جهان دست یافت و آن را از نو بنا نهاد (امینی، ۱۴۰۱: ۶۳۱).^۲

به هر تقدیر، به‌نظر می‌رسد که حداقل، امروزه عمده نظریات مرتبط با هنر، جایگاه اجتماعی هنر را به رسمیت پذیرفته‌اند و این به آن معناست که هنر دیگر فقط از منظر اخلاق یا زیبایی‌شناسی کلاسیک صرف تحلیل نمی‌شود. این امر که البته ریشه در رویکردهای مدرنیستی در زمینه هنر دارد، مسئله‌ای درون‌متنی است (Pluwak, 2020: 3) و موضوع این نوشتار نیز نیست و به خاستگاه خود در فلسفه و ماهیت امر هنری برمی‌گردد. لکن از آنچه گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت که اقتضائات و برداشت‌های زیبایی‌شناختی از هنر و نقش و رویکرد جامعه‌شناختی به آن، متضمن پذیرش قابلیت‌هایی در هنر است که آن را متضمن ظرفیت‌های اجتماعی شایان ملاحظه‌ای می‌کند. ظرفیت‌هایی که از منظر حقوق بین‌الملل بشر می‌تواند به بیانی مشترک میان هنرمند نقاش و جامعه (بومی، ملی، منطقه‌ای و حتی بین‌المللی) بینجامد. این بیان مشترک، نه‌تنها در قالب آزادی بیان مندرج در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی قابل تحلیل است، که ظرفیتی قابل تأمل در تحقق همبستگی^۳ و جهان‌شمولی از رهگذر توسعه نسل سوم حقوق بشر نیز فراهم می‌آورد.

۲.۲. بیان هنری به مثابه امری سیاسی

آزادی بیان هنری، به معنای آزادی در تصور، خلق و مشارکت در صور مختلف بیان فرهنگی، بدون

۱. از آنجا که جامعه دموکراتیک تنها با انتخابات آزاد و منصفانه و تفکیک قوا هویت نمی‌یابد، به ستون چهارم تعبیر می‌شود.

۲. به نظر دیویی، ماهیگیری که عمیقاً سرگرم ماهیگیری است و مادامی که این کار را با تمام وجود تجربه و زندگی می‌کند، حتی اگر صیدش را هم تناول کند، باز هم چیزی از تجربه و لذت زیباشناختی در حین قلاب‌انداختن و صید کردن او کم نمی‌کند. از این‌رو به نظر او همین درجه از کمال‌یافتگی زندگی در تجربه ساختن و ادراک کردن است که آنچه را در هنر، زیبا یا زیباشناختی است از آنچه هنر نیست، متفاوت می‌سازد.

سانسور حکومت، مداخله سیاسی یا اعمال فشار از سوی بازیگران غیردولتی نیز تعبیر می‌شود و متضمن حق کلیه شهروندان یک جامعه به برخورداری از این صور بیان است که خود مقوله‌ای اساسی برای رفاه و سعادت جوامع بشری است (Polymenopoulou, 2023: 16).¹ در کنوانسیون حمایت و حفاظت از بیان فرهنگی آمده است: «تنها در صورتی می‌توان تنوع فرهنگی را مورد حمایت قرار داد که آزادی‌های اساسی همچون آزادی بیان، اطلاعات و ارتباطات و امکان دسترسی افراد به صور مختلف بیان فرهنگی از رهگذر آن تضمین شود» (Convention on the Protection and Promotion of the Diversity of Cultural Expressions, 2005: Art.1).

در گزارش گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در زمینه حقوق فرهنگی آمده است: «بشریت از طریق خلق کردن، خود را عزت می‌بخشد، زندگی هنری و فرهنگی خود را احیا می‌کند و گاهی حتی دوباره تصور می‌کشد، میراث و رویه‌های فرهنگی و هنری، در واقع دغدغه‌هایی جدی برای جلب توجه و تأمل به سمت مسائل اساسی، دغدغه‌های بنیادین، تعارضات، چالش‌ها، برقراری تفاهم میان دشمنان سابق، مقاومت در برابر ظلم و ستم، یادآوری گذشته و حتی هویت‌بخشی به آینده‌ای بشری‌تر است (Report of the Special Rapporteur in the field of cultural rights, A/HRC/37/55, 4 January 2018, Para. 2).

با این وصف، در آزادی بیان هنری دیگر فقط مقوله حق هنرمند به بیان امر هنری یا مشارکت در روندهای فرهنگی مطرح نیست، بلکه حق مخاطب اثر هنری برای دریافت ایده و مشارکت در حیات فرهنگی و سیاسی جامعه‌ای نیز مطرح است که در آن زندگی می‌کند و این جزئی اساسی از آزادی مشارکت در حیات فرهنگی و هنری تلقی می‌شود (Report of the Special Rapporteur in the field of cultural rights, A/HRC/37/55, 4 January 2018, Para. 75). البته به نظر می‌رسد دیوان اروپایی حقوق بشر هم به این امر بی‌توجه نبوده، اما صرفاً به آن بخش از مخاطبان اثر هنری توجه می‌کند که از دریافت اثر هنری متأثر می‌شوند (Djajić & Lazić, 2021: 119). با این حال، تعهد به حمایت از عموم جامعه برای دریافت اطلاعات در قالب هنر، همچنان حلقه مفقوده‌ای در رویکرد دیوان اروپایی حقوق بشر به آزادی‌های هنری است.

به نظر فرید/ شهید²، «آزادی بیان امر هنری امروزه دیگر صرفاً یک مفهوم لوکس و تشریفاتی نیست، بلکه یک ضرورت و در واقع عنصری تعیین‌کننده و حقی بنیادین است که بشر را قادر می‌سازد تا از این رهگذر انسانیت خود را ابراز داده و آن را توسعه بخشد» (Report of the Special Rapporteur in the field of cultural rights, Farida Shaheed, the right to freedom of artistic

1. See: Artistic Freedom, available at: https://en.unesco.org/creativity/sites/creativity/files/artistic_freedom_pdf_web.pdf, (Last Visited: Oct.2023).

2. Farida Shaheed

عمل، آزادی هنری یک چالش جهانی است که گستره وسیعی از اقدامات محدودکننده چون سانسور، تهدید و ارباب عملاً مانع از ابراز و بیان آن به‌ویژه در قالب یک بیان سیاسی است. به‌زعم گزارشگر ویژه ملل متحد در حقوق فرهنگی، ابراز بیان سیاسی مخالف و مشارکت در مباحث عمومی در قالب هنر تحت حمایت ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و البته تحت شمول صورت کامل‌تر آن در ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر یعنی در قالب آزادی بیان مورد حمایت قرار می‌گیرد. در ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر آمده است: «۱. هر کس دارای حق آزادی بیان است. این حق مشتمل بر اتخاذ هر نظری و دریافت و انتشار اطلاعات و ایده‌ها بدون مداخله مقامات عمومی و بدون محدودیت جغرافیایی است. ۲. از آنجایی که اعمال این آزادی‌ها با مسئولیت‌ها و تکالیفی نیز همراه است، در راستای منافع مبتنی بر امنیت ملی، تمامیت ارضی و ایمنی عمومی، به‌منظور پیشگیری از هرگونه ناهنجاری یا جرمی، برای حفاظت از سلامت روانی جامعه یا اخلاقیات، به‌منظور حمایت از اعتبار یا حقوق دیگران، در جهت پیشگیری از افشای اطلاعات محرمانه یا حفظ اعتبار و بی‌طرفی سیستم قضایی ممکن است این آزادی تابع تشریفات اداری، محدودیت‌ها یا مجازات‌هایی که توسط قانون در یک جامعه دموکراتیک اعمال می‌شود، نیز قرار گیرد (Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms, 1950)». در نظریه تفسیری شماره ۳۴ کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد که مؤید بند ۲ ماده ۱۹ میثاق نیز هست حتی حمایت از صورت‌هایی از هنر که عمیقاً تهاجمی‌اند نیز تأیید شده است (UN Human Rights Committee: General Comment No. 34, 2011)، هرچند این امر مطلق نبوده و همچون سایر حقوق بیان متأثر از توجه به ملاحظات موردی است. برای مثال، تصمیم دیوان اروپایی حقوق بشر در قضیه هندی ساید علیه انگلستان مؤید لزوم تفسیر آزادی بیان در چارچوب مفاد میثاق و کنوانسیون و در نظر گرفتن ملاحظات مبتنی بر نظم عمومی است (ECHR, 1976: Para.49).

در قضیه دیگری با عنوان *تاتار*، مجریان یک پرفورمنس به‌دلیل تجمع غیرقانونی برای نمایش لباس‌های کثیف بر روی حصار اطراف ساختمان پارلمان در بوداپست، جریمه شدند که البته مدعی بودند این یک پرفورمنس سیاسی نمادین بوده است که هدف آن، به‌نحو عریان به معرض دید گذاردن فساد موجود در طبقه حاکم در قالب لباس‌های کثیف بوده است. دیوان با کنسانسوس، ضمن احراز نقض ماده ۱۰ اظهار کرد که این پرفورمنس نوعی بیان سیاسی^۱ محسوب می‌شود (ECHR, 2012: Para.36) و از این‌رو مقامات حکومتی فاقد دلایل متناسب و مقتضی برای ورود به قلمرو آزادی بیان مجریان نمایش بوده‌اند (Guide on Article 10 of the European Convention on Human Rights, 2022:)

1. Political expression

16. Para. (16). به هر روی، منصرف از این همانی آزادی بیان هنری در قالب بیان اجتماعی یا سیاسی، در بند بعدی، حدود و ثغور این قسم از آزادی در نظام بین‌المللی حقوق بشر مورد توجه قرار می‌گیرد.

۳. قلمرو آزادی بیان هنری در نظام بین‌المللی حقوق بشر

با توجه به آنچه گفته شد، هرچند آزادی بیان هنری نقاش در منظومه حقوق بشر به رسمیت شناخته شده است، لکن چه این آزادی فی‌نفسه مورد توجه قرار گیرد یا از رهگذر آزادی بیان سیاسی و اجتماعی موردنظر باشد، در هر حال، مطلق و بی‌قید و شرط تلقی نمی‌شود. به این ترتیب، اگر موضوع تفسیر آزادی بیان هنری هنرمند مطرح باشد، رویکرد پیشینی^۱، متضمن تفسیر موسع از آن و حمایت از نقاش در بیان امر هنری و در خلق اثر است. لکن، اگر با رویکرد پسینی^۲ نگریسته شود، در موضع تراحم یا تعارض احتمالی فی‌مابین حقوق و آزادی‌های بشری، آزادی بیان هنری نیز در چارچوب سایر حقوق و آزادی‌ها تفسیر می‌شود و موضوع محدودیت‌های متعارف در این حوزه خواهد بود (Polymenopoulou, 2023: 9).

در این زمینه در گزارش کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد، در خصوص بیان هنری آزاد آمده است که ضروری است تا میان شقوق سه‌گانه‌ای از بیان امر هنری قائل به تفکیک شد (Polymenopoulou, 2023: 57). نخست، آزادی هنری به تحقق جرمی کیفری بینجامد، دوم، بیان هنری به جرم کیفری قابل مجازاتی در قانون منجر نشود، لکن به پیگیری و طرح دعوی حقوقی یا اداری منجر شود، سوم، فرضی است که آزادی هنری به مجازات کیفری یا محاکمه حقوقی منجر نشود، اما با این حال، دغدغه‌هایی در خصوص نقض بردباری، و عدم رعایت حقوق دیگران به‌همراه داشته باشد. صورت اخیر، وضعیتی است که آزادی هنری موجبات نقض تعهد یا فعل مجرمانه حقوقی نشده، با این حال، به لحاظ اخلاقی، ناخوشایند است (Djajić & Lazić, 2021: 105). گزارشگر ویژه معتقد است مجازات‌های کیفری تنها به‌عنوان آخرین گزینه می‌تواند در موارد قابل توجیه اعمال شود و در این زمینه باید بر اساس معیار آستانه شش‌گانه برنامه عمل رباط^۳ در زمینه آزادی بیان (2013) یعنی تحلیل سیاق، ارائه‌دهنده، محتوا، فرم، قلمرو، شباهت و تحریک به عمل مجرمانه در مواردی که آزادی بیان هنری محل نقض است مورد توجه قرار گیرد (Human Rights Council, A/HRC/23/24/2013, Para. 25-32, Rabat Plan of Action, 2013, Para. 29). به عبارت دیگر، به‌زعم کمیته نیز، آزادی هنری نقاش در بیان هنری مطلق نبوده و علاوه بر موارد برشمرده اول و دوم که موضوع نظارت و اعمال قانون متناسب است، در مورد سوم نیز با شاخص‌های برشمرده مورد تحلیل و عنداللزوم حمایت قرار می‌گیرد. در هر حال، کمیته حقوق بشر تنها قضایای محدودی را در قالب پروتکل اختیاری اول میثاق در ارتباط

1. A priori

2. A posteriori

3. Rabat Plan of Action, A/HRC/22/17/Add.4 https://www.ohchr.org/sites/default/files/Documents/Issues/Opinion/SeminarRabat/Rabat_draft_outcome.pdf (Last Visited: Oct.2023)

با کارهای هنری مورد توجه قرار داده است، و محدودیت‌های وارد بر آزادی هنری را تنها در صورتی مجاز می‌شمارد که ضروری^۱ و متناسب^۲ بوده و قبلاً در قوانین روشنی پیش‌بینی شده باشند، علاوه بر آنکه در عمل، به شیوه‌ای غیرتبعیض‌آمیز اعمال و اجرا شوند (Report of the Special Rapporteur in the field of cultural rights, Farida Shaheed, the right to freedom of artistic expression and creativity, A/HRC/23/34, 14 March 2013). در خصوص معیار تناسب، که به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین قیود مندرج در کنوانسیون است، لازم است تا این اصل همواره در پرتو مفهوم یک «جامعه دموکراتیک» تفسیر و اعمال شود. این به آن دلیل است که تضمین شود محدودیت‌های وارده بر حق‌های بشری بیش از آنچه بر مبنای مصلحت یا سیاست تفسیر شود، مبتنی بر ضرورت‌های عینی جامعه است (Greer, 1997: 22). در همین زمینه ضرورت هم در قالب ضرورت‌های اساسی اجتماعی و مرتبط با اهداف مشروع حق‌های بشری ارزیابی و تفسیر می‌شود (Gerards, 2013: 469).

به هر تقدیر، آنچه از اهمیت اساسی برخوردار است و نه تنها در گزارش گزارشگران آزادی بیان یا حتی گزارشگر ویژه آمده بلکه به عنوان اصلی اساسی در نظام بین‌المللی حقوق بشر به رسمیت شمرده شده است، توجه جدی به این امر است که آزادی بیان هنری نیز همانند سایر حقوق و آزادی‌های بشری، تنها در سیاق توجه به سایر حقوق و آزادی‌های بشری تحلیل می‌شود، لاجرم مطلق نیست و محدودیت‌هایی را برمی‌تابد که ممکن است به تعلیق موقت این قسم از حقوق و آزادی‌ها بینجامد (شهپازی، ۱۳۹۵: ۴۳۳).

۴. محدودیت‌های آزادی بیان هنری در نظام بین‌المللی حقوق بشر

۴.۱. رویه ناهمگون دیوان اروپایی حقوق بشر

از اواخر دهه ۹۰ میلادی رفته‌رفته، روند پرونده‌های مرتبط با هنر در دیوان اروپایی حقوق بشر رو به فزونی نهاده است. دست‌کم دو دلیل اساسی در این خصوص وجود دارد. نخست اینکه تعارض حقوق از جمله منافع شخصی و منافع عمومی یا حقوق دیگران در لایه‌های مختلف جامعه محل تنازع و لاجرم چالش‌برانگیز شده است (Djajić & Lazić, 2021: 104). از این رو تأثیری که اعمال حقوق فردی بر حقوق دیگران در جامعه می‌گذارد، و از آن تحت عنوان «نظم عمومی» یا «اخلاق عمومی» حاکم بر جامعه یاد می‌شود، در محور و قانون توجه دیوان قرار گرفته است (Danchin, 2008: 253). دومین دلیل، گسترش رو به فزونی بیانات نفرت‌پراکنانه^۳ به‌ویژه در خصوص اقلیت‌ها و لزوم توجه به تنوع و تکثر در جوامعی است که اقتضائات زندگی امروزی، آنها را به جوامعی چندفرهنگی و چندپاره بدل کرده است (Parmar, 2014: 23). به هر روی

1. Necessary
2. Proportional
3. Hate speech

به نظر می‌رسد در رویه دیوان توجه ویژه یا نگاه متفاوتی در مقوله آزادی هنری نسبت به سایر موارد آزادی بیان مندرج در اسناد بین‌المللی وجود نداشته و تا حد ممکن، تفاسیر به معیار سه‌گانه قضیه هندی ساید یعنی لزوم اعمال پلورالیسم، بردباری و تضارب آرا^۱ محدود شده است (ECHR, 1976: Para.49).^۲

در رأی صادره دیوان در قضیه کاراتاش علیه ترکیه (1999) هرچند موضوع، تصاویر منتشره در کتابی بود که می‌توانست مبین و بیانگر خشونت و خشونت‌طلبی باشد، دیوان تصمیم گرفت که مصادره این کتاب شعر، می‌تواند واجد تبعات منفی بر احساسات جمعی جامعه باشد و از این حیث، دولت ترکیه مجاز به مصادره این کتاب نیست. در بند 48 تصمیم دیوان آمده است: «آزادی بیان یکی از بنیادین‌ترین عناصر سازنده یک جامعه دموکراتیک و یکی از شرایط اساسی پیشرفت آن و همچنین تجلی اقناع شخصی هر فرد در جامعه تلقی می‌شود. در همین زمینه، بند 2 ماده 10 کنوانسیون نه تنها ایده‌ها یا اطلاعاتی را در برمی‌گیرد که به نحوی دوستانه و مسالمت‌آمیز در جریان است و به‌نوعی غیر آزاردهنده و بی‌طرفانه محسوب می‌شود، بلکه متضمن عقاید تخریبی، رنجاننده و حتی ایذایی هم می‌شود. این چنین عقایدی باب پلورالیسم، تساهل و تضارب آرا را می‌گشاید و بدون آن عملاً نمی‌توان چیزی تحت عنوان یک جامعه دموکراتیک را متصور شد. با این حال، آزادی مندرج در ماده 10 موضوع محدودیت‌هایی است، هرچند این محدودیت‌ها در راستای هدف غایی کنوانسیون، تفسیر مضیق می‌شوند (ECHR, 1999: Para.48)».

۲.۴. محدودیت‌های آزادی امر هنری در نظام بین‌المللی حقوق بشر

محدودیت‌های مطرح در حقوق و آزادی‌های بشری، به‌طور کلی معمولاً به «محدودیت‌های متعارف»^۳ و «محدودیت‌های فوق‌العاده»^۴ تقسیم می‌شوند (McCarthy, 1998:49). محدودیت‌های متعارف، محدودیت‌هایی هستند که حق‌های بشری در اوضاع و احوال عادی آنها را برمی‌تابند و محدودیت‌های فوق‌العاده محدودیت‌هایی هستند که در حالت فوق‌العاده به اجرا درمی‌آیند و اغلب به‌صورت موقتی مانع از اعمال حقوق بشر می‌شوند، که در فرض اخیر هیچ‌گونه تضمینی برای اعمال و اجرای حق‌های موردنظر از سوی دولت در این خصوص قابل تصور نیست (شهبازی، ۱۳۸۹: ۴۵-۴۶). از جمله حقوقی که در شرایط

1. Pluralism, Tolerance and Broadmindedness Test

۲. در این پرونده، ریچارد هندی ساید کتابی را با عنوان کتاب مدرسه در سال ۱۹۶۸ منتشر نمود که نه تنها در انگلیس بلکه در بلژیک، فنلاند، فرانسه، جمهوری فدرال آلمان، یونان، ایسلند، ایتالیا، نروژ، سوئد و سوئیس هم به چاپ و انتشار رسید. این کتاب سلسله مباحثی در خصوص مسائل جنسی را در خود داشت که به‌صورتی بی‌پروا، کودکان و نوجوانان را به برقراری رابطه جنسی، همجنس‌گرایی و مسائل مشابه آن هدایت می‌نمود. دیوان پس از بحث و بررسی‌های فراوان، مداخله دولت انگلیس برای جلوگیری از انتشار آن را اقدامی در جهت حمایت از ارزش‌های اخلاقی و ضروری در یک جامعه دموکراتیک دانست.

3. Ordinary limitations

4. Extraordinary limitations

خاص می‌توانند توسط دولت به صورت موقت به حالت تعلیق درآیند، می‌توان به حق بر عبور و مرور آزادانه (ماده ۱۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی)، حق بر آزادی بیان (ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی)، حق بر تجمعات صلح‌آمیز (ماده ۲۱ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی) و حق بر تشکیل مجامع و تشکل‌ها (ماده ۲۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی) اشاره کرد. بند ۳ ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در همین خصوص مقرر می‌دارد: «اعمال و اجرای آزادی بیان مستلزم حقوق و مسئولیت‌های خاص است و از همین رو ممکن است تابع محدودیت‌های از پیش تعیین‌شده‌ای شود که در قانون تصریح شده و برای تحقق امور ذیل ضرورت دارد: نخست، احترام به حقوق و حیثیت دیگران و دوم، حفظ امنیت ملی یا نظم عمومی یا سلامت و یا اخلاق عمومی» (Polymenopoulou, 2023: 56). شرط محدودکننده مشابهی برای آزادی بیان در بند ۲ ماده ۱۳ میثاق آمریکایی حقوق بشر و بند ۲ ماده ۱۰ میثاق اروپایی حقوق بشر نیز پیش‌بینی شده است، بدین ترتیب شروط محدودکننده در میثاق اروپایی حقوق بشر در مقایسه با بند ۳ ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی زمینه‌های متعدد و متنوع‌تری را برای محدودیت بر آزادی بیان پیش‌بینی کرده است، بدین ترتیب که «اعمال این حق، از آنجا که با خود، تکالیف و مسئولیت‌هایی را به همراه دارد، ممکن است منوط به تشریفات، شرایط، محدودیت‌ها و مجازات‌هایی باشد که در یک جامعه دموکراتیک و بر اساس قانون جهت حفظ مصالح امنیتی، تمامیت ارضی یا امنیت عمومی، جهت محافظت در مقابل بی‌نظمی یا جرائم عمومی، در راستای محافظت از سلامت و اخلاق، برای محافظت از حیثیت یا حقوق دیگران، برای پیشگیری از افشای اطلاعاتی که محرمانه دریافت شده‌اند و برای حمایت از اختیارات و بی‌طرفی دستگاه قضایی، در نظر گرفته شده است» (Cseporán, 2017: 74).

به نظر می‌رسد اعلامیه جهانی حقوق بشر و اسناد بین‌المللی که به ضرورت حفاظت و حمایت از حق‌های بشری تأکید می‌ورزند و هر کدام برخی محدودیت‌های وارد به حق‌های بشری را به گونه‌ای مورد ملاحظه قرار می‌دهند، پاسخ روشنی به مسئله حل این تعارضات، در عمل ارائه نمی‌دهند (Henkin, 1995: 123). از همین روی، لازم است تا قضیه با تمسک به برخی اصول کلی حقوقی، به صورت موردی و با توجه به مقتضیات خاص و اوضاع حاکم بر هر تعارض و با تفسیری هماهنگ از مندرجات اسناد کلیدی حقوق بشری مورد توجه قرار گیرد. در همین حال نباید از یاد برد که لازم است تا برای رفع تراحم یا تعارض احتمالی، قضیه به صورتی مورد توجه قرار گیرد که تا حد ممکن خللی به اجرای هیچ‌یک از حق‌های ذی‌ربط وارد نشود (Polymenopoulou, 2023: 48).

برخی با استناد به قاعده قانون مطلوب‌تر، معتقدند در تعارض میان دو تعهد بین‌المللی در حوزه حقوق بشر، تعهدی ارجحیت خواهد داشت که بیشترین حمایت را از فرد به عمل آورد. با این وصف، ملاک ارجحیت، در عمل، میزان حمایتی است که از افراد به عمل می‌آید و نه تقدم و تأخر زمانی آنها (سادات

اخوی، ۱۳۸۵: ۲۰۶). بند ۲ ماده ۵ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در این خصوص مقرر می‌دارد: «هیچ‌گونه محدودیت یا تخطی از هریک از حقوق اساسی بشر که به موجب قوانین، کنوانسیون‌ها، آیین‌نامه‌ها یا عرف و عادت در هر دولت طرف این میثاق به رسمیت شناخته‌شده یا نافذ و جاری است به عذر این که این میثاق چنین حقوقی را به رسمیت نشناخته یا اینکه به میزان کمتری به رسمیت شناخته‌شده، قابل قبول نخواهد بود»^۱.

به هر حال، مسئله تنها تعارض میان حقوق و آزادی‌های هم‌عرض نبوده و گاه، مسئله، تعارض میان حقوق و آزادی‌های فردی و نظم عمومی است. در چنین مواردی، اغلب رویه قضایی بر اعمال رویکرد مبتنی بر حاشیه تفسیر^۲ استوار است (شهبازی، ۱۳۸۹: ۴۵-۴۶). البته هرچند اساساً حاشیه تفسیر در متن کنوانسیون قید نشده است و عمدتاً نیز بر مواد ۸ تا ۱۱ قابل اعمال است، خود مسئله چالش‌برانگیزی است و حتی به‌زعم برخی مانع از وحدت و انسجام حقوق بشر می‌شود و علی‌رغم برداشت‌های مخالف و موافق، عملکرد دیوان مؤید اعمال توازن این اصل در کنار اصل تناسب و عدم تبعیض در راستای اجرای حکومت قانون در جوامع دموکراتیک است (ملکی‌زاده و موسوی‌فر، ۱۴۰۱: ۲۰۶۰-۲۰۶۱). در هر صورت، تحلیل دیوان از آزادی‌های هنری، تابعی از تحلیل مقوله نظم عمومی است. به عبارت بهتر نظم عمومی محدودیتی اساسی در چارچوب اتحادیه اروپاست (Whyatt, 2023: 11). در قضیه مرجنت ریز علیه دولت شیلی در کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد در خصوص یک اثر هنری با نام پل‌های لیاگونو^۳ که مشتمل بر ۱۷ بند بود که توسط هنرمندان ملی با موضوع کودتای سال ۱۹۷۳ کشیده شده بود و به نقض جدی حقوق بشر به رهگذران اختصاص داشت، درحالی که هنرمندان مجوز لازم برای نصب بنرها را گرفته بودند، پلیس شیلی ۱۵ اثر را از دیوار برداشت که هرچند چهار اثر برگردانده شد، ۱۱ بنر به کلی ناپدید شد. هنرمندان مدعی نقض ماده ۱۹ و خواهان دریافت خسارت غرامت در مورد آثار مفقودی بودند. شیلی توضیح داد که پلیس به اینکه مجوز قانونی دریافت شده است، واقف نبوده و از آنجا که بیم آن می‌رفته تا اقدام این هنرمندان با واکنشی خشونت‌آمیز همراه شود، به منظور حفاظت از نظم عمومی به این اقدام مبادرت کرده است (Human Rights Committee (CCPR), 2017: Para.7.5).

با این حال، کمیته به‌صراحت به این نپرداخت که مصادیق تهدید نظم عمومی از خلال به نمایش گذاشتن اثر هنری چیست. کمیته این نکته را اضافه کرد که اقدامات پلیس با این توجیه که هنرمندان واقف

۱. در اسناد دیگری نیز مضامین مشابهی به کار رفته است. ن.ک: بند ۲ ماده ۵ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی، ماده ۵۲ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، ماده ۲۹ کنوانسیون میان آمریکایی حقوق بشر، ماده ۲۳ کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان، ماده ۴۱ کنوانسیون حقوق کودک، ماده ۲ کنوانسیون منع شکنجه و برخی اسناد حقوقی دیگر.

2. Margin of Appreciation

3. Laguno Bridge

به اخذ مجوز بوده‌اند یا نه قابل توجیه نیست. در نهایت نیز به این نتیجه رسید که اقدام پلیس مغایر آزادی فعالیت هنری مطابق بند ۲ ماده ۲۹ است (Human Rights Committee (CCPR), 2017: Para.7.5). به هر حال، مفهوم نظم عمومی همواره با مفاهیم دیگری چون حمایت از سلامت افراد، یا در قالب‌هایی مانند امنیت ملی، و.... گره خورده و در پرتو آنها قابل تحلیل است (Whyatt, 2023: 14). امنیت ملی می‌تواند متضمن احترام به زندگی فردی و خانوادگی و حریم خصوصی افراد (بند ۲ ماده ۸ کنوانسیون) یا حق بر آزادی بیان (بند ۲ ماده ۱۰) و همچنین حق بر تشکیل اجتماعات مسالمت‌آمیز (بند ۲ ماده ۱۱) در جامعه باشد. البته ماده ۱۵ کنوانسیون که مقرر می‌دارد: «در زمان جنگ یا سایر وضعیت‌های اضطراری عمومی تهدیدکننده جان ملت، هریک از طرف‌های معظم متعاقد می‌توانند اقدامات عدول‌کننده از تعهدات خود به موجب این کنوانسیون، تا حدی که وضعیت اضطراری ضرورتاً ایجاب می‌کند، اتخاذ کنند؛ مشروط بر اینکه چنین اقداماتی مغایر با سایر تعهدات آنان به موجب حقوق بین‌الملل نباشد». در تفسیر این حقوق و آزادی‌ها قابل توجه است (DG2-EN-HRFILES-15,1997: 18-19).

اما این اصل به‌زعم دیوان تنها در پرتو «ضرورت‌های بنیادین زیست اجتماعی»^۱ قابل تحلیل است. به این منظور، دیوان، باید بدو به تحلیل این امر بپردازد که آیا مداخله در این مورد با اهداف مشروعیتی که هدف و غایت حقوق بشری مندرج در کنوانسیون است تناسب دارد یا خیر و اینکه دلایل مورد ادعای مقامات حکومتی دلایلی مقتضی و مناسب محسوب می‌شوند یا خیر. در این زمینه، دیوان نه‌تنها به بررسی این امر می‌پردازد که مقامات دولتی استانداردها و معیارهای معین در ماده ۱۰ را اعمال کرده‌اند یا نه، بلکه این نکته را نیز مورد توجه قرار می‌دهد که آیا به ارزیابی قابل قبولی از وقایع ذی‌ربط در موضوع پرداخته‌اند یا خیر (ECHR, 1999: Para.48).

۱.۲.۴. محدودیت‌های وارد بر آزادی هنری در تقابل با موضوعات مرتبط با امنیت ملی

امنیت ملی به‌منظور حمایت از تمامیت ارضی و استقلال سیاسی هر کشور و مردم آن سرزمین معنا پیدا می‌کند. در پرونده شین علیه دولت کره که به کمیته ارجاع شد، مسئله در ارتباط با محکومیت یک هنرمند به جرم اقدام علیه امنیت ملی مطرح بود که در آن کره شمالی به‌عنوان شورشی کشاورزی و کره جنوبی به‌عنوان کشوری تحت نفوذ و استیلای آمریکا، ژاپن و منافع جمعی ترسیم شده بود (Polymenopoulou, 2023: 58). در اصل ادعا می‌شد که این نقاشی در تلاش براندازی کره جنوبی از طریق نیروهای نظامی کره شمالی بوده است. با این حال، نقاش ادعا می‌کرد در تلاش برای نشان دادن آرمان کودکی خودش در وحدت دو کره بوده که با دیدن یک نقاشی دیواری در زمان بچگی شروع شده

است. این قضیه نشان می‌دهد تا چه حد برداشت‌ها از یک اثر هنری نزد هنرمند و مخاطبانش می‌تواند متفاوت باشد (Exploring Connections between Arts and Human Rights, Report of a High-level Expert Meeting on 29–30 May 2017:8). رویکرد کمیته به این موضوع، بر تفسیر موسع از مفهوم امنیت ملی در مواجهه با آزادی امر هنری استوار است. این در حالی است که اساساً گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در زمینه حقوق فرهنگی در خصوص تفسیر قلمرو امنیت ملی بر این اصل استوار است که «آثار و آفرینش‌های هنری نباید همواره با این برداشت مورد توجه قرار گیرند که حاوی پیام یا اطلاعات خاص و ویژه‌ای هستند (Report of the Special Rapporteur in the field of cultural rights, Farida Shaheed, the right to freedom of artistic expression and creativity, A/HRC/23/34, 14 March 2013: Para.37).

در قضیه لروی علیه دولت فرانسه در دیوان اروپایی حقوق بشر، مسئله در خصوص یک کاریکاتور بود که دو روز پس از حملات تروریستی یازده سپتامبر در نیویورک در فرانسه کشیده شده بود (ECHR, 2008). در محاشی نقاشی چنین نوشته شده بود: «این رؤیای همه ما بود و به خواب آن را می‌دیدیم... حماس انجامش داد». کاریکاتوریست به پرداخت ۱۵۰۰ یورو برای نقض قانون مشارکت در نادیده گرفتن ماهیت تروریستی این اقدام محکوم کرد. درحالی که کاریکاتوریست معتقد بود تنها قصدش نقد امپریالیسم آمریکایی بوده است و نه تهییج یا تشویق یا ترغیب به امری تروریستی (Polymenopoulou, 2016: 531). هرچند این تصمیم چندان برای جامعه فرانسه توجیه‌پذیر نبود (ECHR, 2008)، به هر حال، به نظر می‌رسد هر زمان بحث از امنیت ملی مطرح باشد، مراجع داخلی یا حتی کمیته موضوعی بر محدودیت آزادی امر هنری به نفع حمایت از قلمرو امنیت ملی اتخاذ کرده‌اند.

۲.۲.۴. محدودیت‌های آزادی بیان هنری در تعارض با اخلاقیات و حساسیت‌های مذهبی

مواد ۱۰ و ۱۹ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر از جمله به محدودیت‌های مذهبی و اخلاقی به‌عنوان مواردی از تحدید حقوق و آزادی‌های مندرج در کنوانسیون اشاره می‌کند (Bieczyński, 2021: 158). البته تفکیک و تمایز میان امر هنری اخلاقی و غیراخلاقی در عمل بسیار دشوار است و این قضیه برای مثال در خصوص مرز میان پورنوگرافی و هنر همواره مسئله‌برانگیز بوده است (Polymenopoulou, 2016: 537).^۱ برای مثال کارهای همواروتیک روبرت ماپلثورپ را ممکن است بتوان در این طبقه قرار داد.^۲ از حیث تاریخی هم ترسیم برهنگی به دلایل مختلف از جمله ملاحظات اخلاقی یا مذهبی در جوامع مختلف با سانسورهای همراه بوده است، حتی امروز هم فیس‌بوک پست‌هایی متضمن هنر برهنه را سانسور

1. Ibid, p.537

2. Robert Mapplethorpe

می‌کند و به هر حال، امری بدیع و بی‌سابقه نیست.^۱ یکی از این نقاشی‌های جنجال‌برانگیز اثر بالتوس^۲ از دختری ۱۲ ساله است که در سال ۱۹۳۸ کشیده شده است. از موزه متروپولیتن نیویورک به سبب اینکه ادعا می‌شد این اثر ترویج رابطه جنسی با کودکان است، بارها خواسته شده این اثر برداشته شود، هرچند موفقیت‌آمیز نبوده است.^۳

در قضیه مولر و سایرین علیه سوئیس در مقابل دیوان اروپایی حقوق بشر (ECHR, 1988: Para.1)، اثر سه‌گانه‌ای از فیلیکس مولر با عنوان سه شب، سه تصویر مورد بحث بود که رابطه جنسی میان انسان و حیوان را به ترسیم می‌کشید (Djajić & Lazić, 2021: 106). مولر در این قضیه به پرداخت ۳۰۰ فرانک سوئیس به عنوان غرامت نقض ماده ۲۰۴ قانون کیفری سوئیس برای کشیدن این نقاشی متضمن صور قبیحه محکوم شد و البته مولر مدعی نقض ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بود. دیوان به این رأی داد که اقدامات دولت سوئیس نقض ماده ۱۰ محسوب نمی‌شود، درحالی‌که اقدامات نقاشی‌ها ملاحظات اخلاقی مبتنی بر اخلاق حسنه در جامعه را خدشه‌دار می‌کند (ECHR, 1988: Para.44).

به نظر دیوان، نقاشی‌ها به‌نحو خام‌دستانه و بسیار ابتدایی و تنها در راستای نشان دادن ماهیت روابط جنسی کشیده شده‌اند و محصول هیچ ایده‌متمایزی نیستند. ابعاد بزرگ اثر بر بدوی بودن و غیرهنری بودن اثر افزوده و ماهیت ایزدایی آن را تشدید کرده است... افزون بر این دیوان به این نتیجه نمی‌رسد که این ادعای نمادین بودن اثر، قابل استناد و توجیه‌پذیر است (Djajić, Lazić, 2021: 107). به‌زعم دیوان در خصوص این آثار، آنچه در نگاه اول به‌نظر می‌رسد و مخاطب اثر هنری را تحت تأثیر قرار می‌دهد، همان است که در ظاهر^۴ از آن برداشت می‌شود، نه انتزاع مورد ادعای نقاش، که به‌نظر نمی‌رسد عملاً ارتباطی با نقاشی داشته باشد. افزون بر این نظر دیوان بر این است که مهم مقصود و نیت هنرمند از نقاشی نیست، بلکه آنچه موردنظر دادگاه است، عملاً اثر غایی آن بر مخاطب است (ECHR, 1988: Para.16).

با این حال، دیوان در تفسیر و تحلیل ماده ۱۰ کنوانسیون چنین استدلال می‌کند که ماده ۱۰ نه‌تنها بر ایده‌هایی که غیر ایزدایی یا متفاوت‌اند تسری پیدا می‌کند، بلکه بر ایده‌هایی که به قصد ایجاد اختلال یا هراس دولت یا حتی بخشی از جمعیت هستند نیز تسری پیدا می‌کند... و به نظر دیوان کسانی که با چنین قصدی به اعمال، اجرا، خلق یا انتشار اثر هنری می‌پردازند، در تبادل ایده‌ها و نظرهایی که ستون‌های سازنده یک جامعه دموکراتیک هستند، مشارکت می‌کنند و دولت متعهد است تا به‌نحو غیرمقتضی خللی به این

1. Facebook bans Flemish paintings because of nudity

2. Therese Dreaming

3. Harriet Alexander, 'New York's Met Museum refuses to remove Balthus painting despite petition against promoting paedophilia', (The Telegraph (UK), 6 December 2017), available at: <https://www.telegraph.co.uk/news/2017/12/06/new-yorks-met-museum-refuses-remove-balthus-painting-despite/>>28 February 2019 (Last Visited: Oct.2023).

4. The first value

آزادی بیان وارد نکند (ECHR, 1988: Para.33). با این حال، دیوان همزمان به تعهدات و مسئولیت‌های مندرج در ماده ۱۰ و نیز به اخلاق عمومی به عنوان عاملی برای تأیید محکومیت کیفری مولر به مواردی اشاره می‌کند که بی‌آنکه در چارچوب اتحادیه اروپا اتفاق نظری در مورد آن وجود داشته باشد، ماهیتی محله‌ای یا ملی دارد و این به آن معناست که با استناد به ماهیت ملی و بومی اخلاقیات و حساسیت‌های مذهبی، مقامات ملی دارای این اقتدارند که آزادی بیان هنری را محدود کنند (ECHR, 1988: 24).

به زعم دیوان، مقامات ملی دولت سوئیس حتی به درستی به لزوم در نظر گرفتن محدودیت‌های سنی در ورود افراد به نمایشگاهی که این آثار را به معرض دید درآورده بود، اشاره کرده بودند که این موضوع نیز در نظر گرفته نشده بود (Polymenopoulou, 2016: 529-530). از این رو به نظر می‌رسد دیوان در این قضیه با تفسیر موسع دکتین حاشیه تفسیر به نفع اراده دولت سوئیس هم نظر بوده و آزادی هنری را مغایر نفع عمومی و اخلاق حسنه دانسته است (Benvenisti, 1999: 851-853).

این در حالی است که مراد از حساسیت‌های مذهبی و اخلاقی در قضایای مختلف به صورت موردی مطرح نظر قرار می‌گیرد. در قضیه کانستلر علیه / تریش در دیوان اروپایی حقوق بشر، موضوع نقاشی یک نقاشی / کلاژ مذهبی ساختگی مرتبط بود که شامل ۳۳ چهره قابل شناسایی معاصر، از جمله خود هنرمند، را به تصویر می‌کشید که درگیر اعمال جنسی مختلف با یکدیگر بودند (Djajić & Lazić, 2021: 113). دیوان متعاقب طرح دعوا علیه نقاش از سوی یک از سیاستمداران منتقد در این نقاشی به این نتیجه رسید که محدودیت ناشی از آزادی بیان که مانع از به نمایش درآمدن این اثر است، نقض ماده ۱۰ محسوب می‌شود. دیوان به صراحت اشاره کرد: «طنز، نوعی بیان هنری و تفسیر اجتماعی است و در ذات خود اغراق و تحریف واقعیت را به همراه دارد، لاجرم به طور طبیعی به دنبال تحریک و ایجاد تغییر است» (ECHR, 2007: Para.33). چنین امری از نظر دیوان نمی‌تواند منافاتی با سایر حقوق و آزادی‌های فردی در جامعه داشته باشد و از این رو در صورت استفاده از درون مایه‌های انتقادی و طنزآمیز، هرچند در این موضوع مرز باریکی میان پورنوگرافی و نقاشی بیان متصور شد، می‌توان به حمایت از آزادی بیان امر هنری در مفهوم موسع آن پرداخت (Flauss, 2009: 818). به هر حال، دیوان ضمن حمایت از آزادی بیان امر هنری در چنین مواردی، موضوع را تابع ملاحظات خاص، توجه به شرایط و مطالعه موردی هر قضیه دانسته است (Cuny, 2023: 91).

۵. نتیجه

هنر، به مثابه پدیده‌ای منحصر به فرد، تنها از رهگذر آزادی است که فعلیت می‌یابد و تنها چارچوبی را نیز که برمی‌تابد، آزادی هنری است، بی‌تردید، نقاشی نیز از این مقوله مستثنا نیست. با این وصف، هنر به منزله تعاملی هوشمندانه با جهان پیرامون، به مدد ابزار مناسبی که به فراخور حال، از آن بهره می‌گیرد، و از خلال آزادی هنری نیز به منصه ظهور می‌رسد، می‌تواند به وحدت میان امر عقلایی و امر احساسی هنرمند، تعبیر شود.

نقاشی نیز مانند صور دیگر هنر، با بیان نمادین، هیجانی و گاه احساسی خود به بیان دغدغه‌های اجتماعی، تابوها، چالش‌ها، کامیابی‌ها، دردها، زخم‌ها، افتخارات و نقصان‌های جامعه می‌پردازد. همزمان که زبان هنر نیز، در قالب نظم عمومی قابل تأویل و تفسیر است، و لاجرم هرگونه تخطی جدی از نظم عمومی یا معیارهای اجتماعی، سیاسی، اخلاقی، حقوقی و حتی مذهبی و اقتصادی می‌تواند دولت و جامعه را نسبت به مقوله‌های موردنظر حساس کرده و واکنش‌های مختلفی را به همراه آورد، نباید از یاد برد که محدودیت، پالایش، سانسور و نظارت پیشینی در بیان امر هنری، نیز توالی فاسدی چون تهدید ارزش‌های مورد قبول جوامع دموکراتیک به همراه خواهد داشت. از این حیث، لازم است تا تحلیل هنر در قالب نظم عمومی، با توجه به کارویژه امر هنری و اقتضائات آن و در پرتو هنجارهای ملی و بین‌المللی صورت پذیرد، امری که خود می‌تواند به تحکیم و تقویت حکومت قانون و پذیرش این واقعیت بینجامد که هنر، نقشی کلیدی و سازنده در بر ساخت حقوق و هنجارهای حقوقی ایفا می‌کند. بدون توجه به این مهم و با برداشتی سطحی از میزان اثرگذاری هنر در شاکله نظام حقوقی، نه تنها یکی از مبانی سازنده علم حقوق مغفول می‌ماند که هنر ضمن اثرگذاری خود در اختناق، می‌تواند تهدیدی علیه حاکمیت محسوب شده و موجبات اختلال در نظم عمومی را نیز فراهم آورد.

همزمان نباید از این مهم غافل شد که روابط میان حقوق و هنر پیچیده و قابل تأمل است. آزادی‌های هنری در قلمرو حقوق بشر، ماهیتی خاص دارند. مراجع قضایی درصددند تا مرز معینی میان اشکال مختلف آزادی بیان ترسیم کنند که تقریباً می‌توان مدعی شد این امر به حاشیه تفسیر قابل انعطافی بدل شده و هر شکل از آزادی بیان، حمایت مختص خود را داراست. نگاهی به رویه دیوان اروپایی حقوق بشر، حکایت از آن دارد که حمایت منسجم و رویه متحدالشکلی در زمینه آزادی هنری شکل نگرفته و اغلب زمانی این مسئله قابل تأمل و دغدغه‌برانگیز است که ماهیت آزادی هنری، با بیان سیاسی در هم آمیزد یا تهدیدی علیه امنیت ملی، ملاحظات اخلاقی، سیاسی یا حتی مذهبی تلقی شود. با این وصف، از نظر دیوان، آزادی هنری، قسمی از آزادی بیان است که به نحوی آشکار ابراز شود و حاوی یک پیام معنادار و مشخص در زمینه مقولات عمومی معینی باشد.

به هر حال، آزادی هنری، مفهومی پیچیده و اغواگر است، چه اینکه از یک سو، بسیار منعطف است و در تعیین حدود و ثغور آن می‌توان قائل به تشکیک شد و دیگر آنکه حمایت از صور مختلف آزادی در یک نظام حقوقی، به‌ویژه نظام بین‌المللی حقوق بشر که مجمعی از اقسام مختلف حق و تکلیف، آزادی و محدودیت و مطالبه و استیفاست، نیازمند شفافیت و تضمین است. در چنین شرایطی، ورود مرجع قضایی به تعیین ماهیت امر هنری و تفسیر آن، می‌تواند به رویه‌ای منجر شود که متعاقباً در رسیدگی‌های بعدی مورد توجه قرار گیرد. فقدان عملکرد منسجم و متحدالشکلی در دیوان از یک سو به ابهام در تفسیر امر هنری در رویه می‌انجامد و از سوی دیگر، باب برداشت‌های مختلف را می‌گشاید. به هر تقدیر، به نظر

می‌رسد تا شکل‌گیری رویه متحدالشکل و قابل استنادی از سوی مراجع قضایی شبه‌قضایی بین‌المللی در زمینه حدود و ثغور آزادی بیان در نقاشی، تنها به صورت موردی و با توجه به اصول اساسی و بنیادین تفسیر حقوق و آزادی‌های بشری، بتوان به حمایت از خلق آثار نقاشی مبادرت ورزید. از این منظر، هرچند مرزهای شکننده و حتی گاهی درهم‌تنیده صور مختلف هنر و ضرورت‌های اجتماعی در مواجهه با چارچوب‌های سخت و حتی غیرمنعطف حقوقی نیازمند توجهی جدی و فراگیر است، این امر نمی‌تواند توجیهی برای نقض حقوق و آزادی‌های بنیادین افراد، خدشه به نظم عمومی، اخلاق حسنه و حتی امنیت ملی دولت‌ها تلقی شود.

منابع

۱. فارسی

– مقالات

۱. اسلامی، رضا؛ گل‌ریحان، نسرين (۱۳۸۹). حمایت از آزادی هنر در نظام بین‌المللی حقوق بشر. نشریه حقوق اساسی، ۷(۱۴)، ۲۷-۱.
۲. امینی، عبدالله (۱۴۰۱). تأملی بر رابطه هنر با زندگی در تفکر دیویی (با تکیه بر مفهوم تجربه). پژوهش‌های فلسفی، دانشگاه تبریز، ۱۶(۳۸)، ۶۴۳-۶۱۶. DOI: 10.22034/jpiut.2022.49573.3092
۳. سادات‌اخوی، سیدعلی (۱۳۸۵). قاعده قانون مطلوب‌تر به عنوان ضابطه حل تعارض میان معاهدات حقوق بشری. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۷۲(۷۲)، ۲۱۹-۲۰۱.
۴. شهبازی، آرامش (۱۳۹۵). لزوم رعایت حریم خصوصی - درمانی قربانیان کاربرد سلاح‌های شیمیایی جنگ عراق علیه ایران. فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، ۴۶(۲)، ۴۱۷-۴۴۰. DOI: 10.22059/jpls.2016.58204
۵. شهبازی، آرامش (۱۳۸۹). هتک حرمت ساحت مقدس قرآن کریم در ترازوی حقوق بین‌الملل. مجله حقوقی بین‌المللی، ۲۷(۴۳)، ۶۱-۳۹.
۶. ملکی‌زاده، امیرحسین؛ موسوی‌فر، سید حسین (۱۴۰۱). نگرشی بر دکتین حاشیه صلاحیت در تفسیر. مطالعات حقوق عمومی، ۵۲(۴۲)، ۲۰۷۴-۲۰۵۷. DOI:10.22059/jpls.2020.261378.1783

۲. انگلیسی و فرانسوی

A) Books

1. Arnhem, R. (1992). *To the Rescue of Art: Twenty-Six Essays, To the Rescue of Art: Twenty-Six Essays*. Berkeley, California University of California Press.
2. Kearns, P. (2013). *Freedom of Artistic Expression: Essays on Culture and Legal Censure*. Oxford, Hart Publishing.
3. Krenn Martin (2019). *Dialogical Interventions – Art in the Social Realm*, Berlin, Walter de Gruyter.
4. McCarthy, A. L. S. (1998). *The International Law of Human Rights and States of*

- Exception: With Special Reference to the Travaux Preparatoires and Case-Law of the International Monitoring Organs*. London, Martinus Nijhoff Publishers.
5. Nicole, F. M., & Silhol, O. (2014). *Droit de l'art*. Paris, ELLIPSES; 2ème edition.
 6. Polymenopoulou, E. (2023). Introduction. In *Artistic Freedom in International Law*. Cambridge, Cambridge University Press.
 7. Regli, C. (2018). *The subversive art form: When performance art challenges the conventions of established art by embracing experience in real time/space as artistic value*, Zurich, University of the Arts.
 8. Tricoire, A. (2011). *Petit traité de la liberté artistique*. Paris, La Découverte.
 9. Whyatt, S. (2023). *Free to Create: Artistic Freedom in Europe: Council of Europe Report on the Freedom of Artistic Expression*, Strasbourg, Council of Europe Publishing.

B) Articles

10. Bieczyński, M. M. (2021). The History of Artistic Freedom as a Legal Standard in Western Culture: An Attempt at Periodization of the Process of Its Formation. *Santander Art and Culture Law Review*, (7), 145-170. DOI:10.4467/2450050XSNR.21.010.14599.
11. Cseporán, Z. (2017). International and Foreign Trends Regulating the Freedom of Artistic Expression. *Pécs Journal of International and European Law*, (2), 71-83.
12. Cuny, L. (2023). Progressive autonomy of artistic freedom in international law: The contribution of the UN in promoting new economic, social, and cultural rights-based approaches. Chapters, in: Fiana Gantheret & Nolwenn Guibert & Sofia Stolk (ed.), *Art and Human Rights*, chapter 4, pp. 76-97, Edward Elgar Publishing.
13. Danchin, P.G. (2008). Of Prophets and Proselytes: Freedom of Religion and the Conflict of Rights in International Law. *Harvard International Law Journal*, 49(2).
14. Djajić, S., & Dubravka, L. (2021). Artistic expression: freedom or curse? Some thoughts on jurisprudence of the European Court of Human Rights from the theoretical perspective of visual and performance arts and rationales behind freedom of political expression. *The Age of Human Rights Journal*, (17), 97-124. DOI: 10.17561/tahrj.v17.6269
15. Eberle, E. J. (2007–2008). Art as Speech. *University of Pennsylvania Journal of Law and Social Change*, (11), 1-28.
16. Flauss, Jean-François (2009). "The European Court of Human Rights and the Freedom of Expression," *Indiana Law Journal*, (84), 809-849.
17. Furlon Armelle, Boris Khalvadjian (2009). Art, liberté, responsabilité. Exposé juridique d'une affaire de concessions. *Marges*, (9), 68-83.
18. Gaut, B. (2005). The Cluster Account of Art Defended", *The British Journal of Aesthetics*, 45(3), 273–288, DOI:10.1093/aesthj
19. Geiger, C. (2018). Freedom of Artistic Creativity and Copyright Law: A Compatible Combination?. *UC Irvine Law Review*, (8), 413-458.
20. Geiger, C. (2021). Fair Use through Fundamental Rights: When Freedom of Artistic Expression allows Creative Appropriations and Opens up Statutory Copyright Limitations . in: S. Balganes, W.L. Ng-Loy and H. Sun (eds.), *The Cambridge Handbook of Copyright Limitations and Exceptions*, Cambridge, Cambridge University

- Press, 174-194 DOI: 10.2139/ssrn.3725013.
21. Gerards, J. (2013). How to improve the necessity test of the European Court of Human Rights. *International Journal of Constitutional Law*, 11(2), 466–490. DOI:10.1093/icon/mot004
 22. Henkin, L. (1995). Group Defamation and International Law. in: Monroe H Freedman & Eric M Freedman(eds). *Group Defamation and Freedom of Speech: The Relationship Between Language and Violence*, Westport, Praeger.
 23. Khatchadourian Haig(1965).“The Expression Theory of Art: A Critical Evaluation”, *The Journal of Aesthetics and Art Criticism*, Vol. 23, No. 3, pp. 335-352.
 24. O'Neil, R. M. (1990) Artistic Freedom and Academic Freedom. *Law and Contemporary Problems*, (53), 177-193.
 25. Pluwak, A. (2020). Beyond Outrage: Approaching Arts Controversy in Post communist Poland. *East European Politics and Societies*, 35(3), 682-702. DOI: 10.1177/0888325420928417.
 26. Polymenopoulou, E. (2016). Does One Swallow Make a Spring? Artistic and Literary Freedom at the European Court of Human Rights. *Human Rights Law Review*, 16(3), 511–539. DOI: 10.1093/hrlr/ngw011.

C) Documents & Websites

27. A/C.3/69/SR.31, available at: <https://digitallibrary.un.org/record/788267?ln=en#record-files-collapse-header>(Last Visited: Oct.2023)
28. A/C.3/70/SR.28, available at: <https://digitallibrary.un.org/record/812171?ln=en#record-files-collapse-header>(Last Visited: Oct.2023).
29. Artistic Freedom, available at: https://en.unesco.org/creativity/sites/creativity/files/artistic_freedom_pdf_web.pdf, Last Visited: Oct.2023).
30. Guide on Article 10 of the European Convention on Human Rights, Freedom of expression, Updated on 31 August 2022, available at: https://echr.coe.int/Documents/Guide_Art_10_ENG.pdf.(Last Visited: Oct.2023).
31. Human Rights Council, A/HRC/23/24/2013, Para. 25-32, Rabat Plan of Action.
32. Khan Irene, UN Special Rapporteur on the promotion and protection of the rights to freedom of opinion and expression, in the state of artistic freedom 2022, Freemuse, defining artistic freedom, 2022.
33. Rabat Plan of Action, A/HRC/22/17/Add.4 https://www.ohchr.org/sites/default/files/Documents/Issues/Opinion/SeminarRabat/Rabat_draft_outcome.pdf (Last Visited: Oct.2023).
34. Shaheed, Farida(2013) Report of the Special Rapporteur in the field of cultural rights, the right to freedom of artistic expression and creativity, A/HRC/23/34.
35. The European Court Of Human Rights From The Theoretical Perspective Of Visual And Performance Arts And Rationales Behind Freedom Of Political Expression. *The Age of Human Rights Journal*, 17, 2021, ISSN: 2340-9592 DOI: 10.17561/tahrj.v17.6269 97.
36. The Rabat Plan of Action: A global blueprint for combating “hate speech, European Human Rights Law Review 2, 2014.

D) Cases

37. Handyside v UK, 7 December 1976, Series A No 24.
38. Handyside v United Kingdom Application No 5493/72, Merits, 7 December 1976.
39. Karataş V. Turkey Judgment, Available at <https://www.legal-tools.org/doc/62840b/pdf/> (Last Visited: Oct.2023).
40. Müller and Others v Switzerland, Judgement, ECtHR, 24 May 1988, No 10737/84.
41. Otto-Preminger-Institut V. Austria, Application no. 13470/87, Judgment Strasbourg, September 1994, Available at [https://hudoc.echr.coe.int/eng#{%22itemid%22:\[%22001-57897%22\]}](https://hudoc.echr.coe.int/eng#{%22itemid%22:[%22001-57897%22]}) (Last Visited: Oct.2023).
42. Stern Taulats and Roura Capellera v. Spain, No. 51168/15, 13 March 2018.
43. Tatár and Fáber v. Hungary, nos. 26005/08 and 26160/08, 12 June 2012.
44. Vereinigung Bildender Künstler v. Austria, No. 68354/01, 25 January 2007

